

بررسی آراء موافقان و مخالفان اشتغال زنان با استناد به آیات و روایات

علی غضنفری^۱

مریم غضنفری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

چکیده

اندیشمندان اسلامی در باره جواز و عدم جواز اشتغال بانوان برای کسب درآمد و رفاه خانواده مطالعات زیادی را ارائه داده‌اند. محقق در تحقیق پیش رو با روش تحلیل اسناد کتاب‌خانه‌ای و با بررسی حداکثری کتب، پایان نامه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع، دلائل مخالفان اشتغال بانوان در قرآن و روایات را مورد واکاوی قرار داده و در برابر دلائل صریح‌تر جواز اشتغال، تضییع نموده است. سپس با بهره‌گیری از دلائل قرآنی و نیز اخبار متعدد و بیان نگاه اندیشمندان اسلامی، جواز اشتغال بانوان را مبرهن دانسته است. بی‌شک مهم‌ترین دلیل عدم جواز اشتغال بانوان تضاد با وظیفه اصلی وی خواهد بود که در صورت انجام این وظیفه سایر دلائل قابل حل خواهد شد. در پایان با توجه به لزوم رعایت الزامات شرعی و نیز بدور ماندن از برخی تبعات منفی اشتغال مانند کاهش نرخ عمومی جمعیت، تربیت ناصحیح فرزندان و سایر آسیب‌های روح و جسمی، به برخی از مشاغل ضروری برای بانوان اشاره شده است.

نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که در قوانین اسلامی و فرهنگ قرآنی به صورت کلی مخالفتی با موضوع اشتغال زنان وجود ندارد اما از سویی پرداختن به آن را به رعایت الزامات و قوانینی مشروط کرده است. همچنین می‌توان گفت اشتغال برای زنان به خودی خود نه سازنده است و نه مخرب بلکه بسته به شرایط مختلف روحی، جسمی، خانوادگی و اجتماعی افراد و پیامدهای ناشی از آن در ابعاد متفاوت می‌تواند مفید یا مضر واقع شود.

واژگان کلیدی: اشتغال، تاریخچه اشتغال کار، زن، زن در جامعه، جامعه خرد، خانواده، جامعه کلان.

مقدمه

اشتغال زنان همواره در طول تاریخ از مسائل مبتلی به و مطرح شده در جامعه بوده و نظرات مختلفی در مورد آن وجود دارد عده‌ای اشتغال را حق بانوان می‌دانند و برای دیدگاه خود ادله‌ای را بیان می‌کنند از سوی دیگر مخالفان اشتغال بانوان هم برای اثبات نظر خود دلایلی را مطرح کرده‌اند

ما در این موز به بررسی ادله هر دو گروه موافق و مخالف اشتغال بانوان در جامعه می‌پردازیم و دیدگاه اسلام که یک دیدگاه میانه و معتدل می‌باشد و با وضع ضوابط و شرایط خاص حامی فعالیت اجتماعی بانوان می‌باشد را بیان می‌داریم. در پایان نیز به برخی از مشاغل مربوط به زنان که اشتغال در آنها ضرورت عقلی و شرعی دارد، خواهیم پرداخت.

مخالفان اشتغال بانوان

افراد این گروه معتقدند منابع اسلامی بر فعالیت زنان در خانه و ایفای نقش همسری و مادری تاکید کرده‌است و و این به معنای عدم جواز اشتغال زنان در بیرون از منزل می‌باشد این دسته از افراد برای اثبات نظریه خود دلایلی را مطرح می‌کنند که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

دلایل قرآنی مخالفان اشتغال بانوان

مخالفان اشتغال بانوان برای اثبات نظریه خود به سه آیه از قرآن کریم استناد کرده‌اند:

۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطٌ حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴)

«مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده‌است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می‌دارند. و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزیندشان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلندپایه و بزرگ است.»

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گفته اند کلمه (قیم) به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است، و کلمه (قوام) و نیز (قیام) مبالغه در همین قیام است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ص ۳۴۳) مخالفان اشتغال بانوان با استناد به این آیه بیان می‌دارند اینکه مردان قیم زنان هستند به این معناست که اداره امور زندگی و مدیریت زندگی به عهده مردان می‌باشد و زنان نیز جزئی از این زندگی به شمار می‌روند پس طبیعتاً اداره امور زنان هم به عهده مردان است به بیان دیگر مردان ولی و حاکم بر زنان هستند و لازمه این ولایت این است که حق داشته باشند زنان را در منزل نگه دارند و این امر با اشتغال زن در بیرون از منزل منافات دارد. (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳: ص ۱۴۹) حتی برخی از افراد این گروه قائل اند زنان در صورت عدم تامین نیازهای زندگی از سوی مردان هم ضرورتی به انجام کار در بیرون از منزل ندارند و در آن موقعیت می‌توانند عقد ازدواج را فسخ نمایند. (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵: ص ۱۶۹)

۲. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِنَّ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) «و در خانه‌های خود بمانید. و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار نکنید. و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.»

آیه دیگری که قائلین به عدم جواز اشتغال زنان به آن استناد می‌کنند، آیه ۳۳ از سوره احزاب می‌باشد که خطاب به زنان گفته است در خانه‌های خود بمانید و زینت‌های خود را در مقابل نامحرمان به نمایش نگذارید. «قَرْنَ» از «وقار» یا «قرار» است، و نتیجه‌ی هر دو معنا یکی است. یعنی برای خودنمایی از خانه‌های خود خارج نشوید. (قرای‌تی، ۱۳۸۳، ج ۹: ص ۳۶۰) و از آنجا که اشتغال بانوان در خارج از خانه موجب ظاهر شدن زینت‌های آنان می‌شود می‌توان نتیجه گرفت این آیه در مقام نهی زنان از اشتغال در بیرون از منزل نازل شده است.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَبْرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَسِينِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» (احزاب: ۵۳) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر داخل مشوید مگر شما را به خوردن طعامی فراخوانند، بی‌آنکه منتظر بنشینید تا طعام حاضر شود. اگر شما را فراخواندند داخل شوید و چون طعام خوردید پراکنده گردید. نه آنکه برای سرگرمی سخن آغاز

کنید. هر آینه این کارها پیامبر را آزار می‌دهد و او از شما شرم می‌دارد. ولی خدا از گفتن حق شرم نمی‌دارد. و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آن‌ها پاک دارنده تر است. شما را نرسد که پیامبر خدا را بیازارید، و نه آنکه زن‌هایش را بعد از وی هرگز به زنی گیرید. این کارها در نزد خدا گناهی بزرگ است.»

از زمان‌های دور این رسم رایج بوده است که به هنگام نیاز بعضی از وسایل زندگی را از همسایگان به عاریه می‌گرفتند قائلین به عدم جواز اشتغال زنان عقیده دارند که چون این آیه به این مسئله اشاره می‌کند که هنگامی که خواستید از خانه پیامبر چیزی را به امانت بگیرید از پشت پرده یا پشت در با زنان پیامبر هم کلام شوید پس لازمه آن، ماندن زنان در خانه و عدم مواجهه آنان به هر صورتی با نامحرمان می‌باشد و پون با اشتغال بانوان خارج از منزل آنان در منظر مردان قرار می‌گیرند پس اشتغال بانوان با این آیه کریمه منافات دارد.

دلایل روایی مخالفان اشتغال بانوان

کسانی که به عدم اشتغال زنان معتقدند علاوه بر آیاتی که ذکر شد به چند روایت هم استناد می‌کنند که این روایات به صورت مستقیم از اشتغال زنان و سرپرستی آنان نهی کرده‌اند که در اینجا به بیان برخی از آن روایات خواهیم پرداخت.

۱. «سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةٌ قَالَ فَتَى تَكُونُ أُذُنِي مِنْ رِبِّهَا فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام ذَلِكَ قَالَتْ أُذُنِي مَا تَكُونُ مِنْ رِبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرَبِيَّتَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ بَصْعَةٌ مِثِّي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ص ۹۲) حضرت رسول از اصحاب در مورد زنان پرسیدند که آنان چه زمانی به خدا نزدیک‌ترند؟ کسی نتوانست پاسخ دهد جز حضرت زهرا عليها السلام که فرمودند: زنان زمانی به خدا نزدیک‌ترند که در پستوی خانه می‌مانند و به شوهر داری و تربیت فرزندان می‌پردازند. پس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند فاطمه تکه‌ای از وجود من است.

۲. روایت دیگری که مخالفان اشتغال بانوان برای اثبات نظر خود مطرح می‌کنند، پاسخ حضرت زهرا عليها السلام به تقسیم بندی کارهای داخل و خارج از منزل بین ایشان و حضرت علی عليه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که طبق روایت امام صادق عليه السلام رسول خدا کارهای داخل خانه را به حضرت زهرا عليها السلام و کارهای خارج از خانه را به حضرت علی عليه السلام محول کردند و حضرت زهرا عليها السلام در پاسخ به این تقسیم بندی فرمودند: «تَقَاصَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْخِدْمَةِ، فَصَصَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَ فَصَصَى عَلِيٌّ عَلِيٌّ مَا خَلْفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا

يَغْلَمُ مَا دَاخَلَني مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللهُ بِإِكْفَائِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحْمَلُ رِقَابِ الرِّجَالِ» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۵۲)

۳. روایتی از حضرت زهرا علیها السلام در همین مورد که می فرماید: « الْحَسَنُ الطَّبْرِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّ فَاطِمَةَ قَالَتْ لَهُ فِي حَدِيثٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ فَقَالَ ص فَاطِمَةُ مِثِّي.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج: ۱، ص: ۳۷۱) (برای زنان بهتر آن است که مردان را نیند و مردان نیز آنان را نبینند.)

۴. « فی الکافی ج ۳ ص ۳۰۵ به سند صحیح عن جمیل بن دراج قال: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المرأة عليها أذان و إقامة؟ قال: لا» و روى المؤلف فى الخصال ص ۵۱۱ فيما أوصى به النبى صلى الله عليه وآله عليا عليه السلام «يا على ليس على النساء جمعة و لا جماعة و لا أذان و لا إقامة» و قال فى المدارك: «قد أجمع الاصحاح على مشروعية الاذان للنساء و لا يتأكد فى حقهن و يجوز أن تؤذن للنساء و أما الاجانب فقد قطع الاكثر بانهم يعتدون و ظاهراً» (ابن بابويه، ۱۴۰۴، ج: ۱، ص: ۳۷۱) این روایت دلیل دیگر مخالفان اشتغال بانوان می باشد که با وجود فضیلت بسیار زیاد نماز در مسجد و نماز به صورت جماعت، به زن دستور داده شده است که این کار را انجام ندهد و واضح است که اشتغال زنان در خارج از منزل کم اهمیت تر از اقامه نماز در مسجد و به صورت جماعت می باشد و این روایت به خوبی نگرش شارع در مورد فعالیت اجتماعی زنان را نشان می دهد.

۵. روایت دیگری که در همین موضوع آمده است روایتی از ابی عبدالله عليه السلام است که می فرماید: « وَ رَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام صَلَاةَ الْمَرْأَةِ فِي مِحْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج: ۷، ص: ۵۱۵) (نماز زنان در داخل مخدع برتر از نماز زنان در بیت و نماز آن ها در بیت برتر از نماز آنان در دار است.) برای فهم بهتر این روایت باید به بررسی واژه های مخدع و بیت و دار و تفاوت آن ها پرداخت مخدع به معنای جای مخفی خانه است (صاحب بن عباد، ج: ۱، ص: ۱۲۲) در کتب لغوی مفردات الفاظ قرآن و النهایه فی غریب الحدیث و الاثر و لسان العرب به معنای خانه ای که در خانه ی دیگر به صورت تو در تو ساخته شده باشد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج: ۱، ص: ۵۸۶ و ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج: ۲، ص: ۱۴ و ابن منظور، ۱۳۶۹، ج: ۲، ص: ۲۷۴) و در بعضی منابع به معنای سکویی در خانه (ابن درید، ۱۹۸۸، ج: ۱، ص: ۱۶۷) و قیطون (خفاجی، ۱۴۱۸، ص: ۲۴) و خزانه (جوهری، ۱۴۰۴، ج: ۳، ص: ۱۲۰۲) هم آمده است.

واژه های بیت و دار معنای نزدیکی به هم دارند. در قرآن کریم برای مفهوم خانه واژه های

بیت، دار، مسکن، منزل و... به کار رفته است و پرکاربردترین واژه برای خانه در قرآن واژه بیت است که ریشه آن ۷۳ بار در قرآن کریم تکرار شده است. حدوداً ۴۰ بار در معنای خانه‌ای که در نزد عوام به عنوان خانه شناخته می‌شود و در ۱۶ مورد برای خانه خدا و یک بار هم برای خانه بهشتیان به کار رفته است. این واژه برای خانه حیواناتی مثل مورچه و عنکبوت هم استفاده شده است. این واژه به معنای اتاق‌های خانه حضرت رسول و نیز در مواردی به عنوان مصالح سازنده خانه هم مورد استفاده قرار گرفته است. از ترکیبات این واژه هم می‌توان به اهل البیت و بیت المقدس و بیت الحرام اشاره کرد.

بیت به معنای خانه و مسکن است اعم از اینکه جنس آن سنگ یا هر چیز دیگری باشد و بیت شعر را از آن جهت بیت می‌گویند که حروف و کلام را جمع کرده است همانطور که خانه و منزل اهلس را جمع می‌کند (قرشی، ص ۲۴۹) به تعبیر دیگر بیت مکانی است که در آن بیتوته می‌کنند یعنی شب را به روز می‌رسانند. (ارژمند، ۱۳۹۰، ص ۶۴) جمع این واژه ابیات و بیوت است که برای جمع بستن معنای خانه از بیوت و برای جمع بستن معنای بیت‌های شعری از ابیات استفاده می‌شود (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۰).

دار هم در قرآن به معنای سرا و خانه آمده است این واژه به معنای فرود آمدن و سکنی گزیدن در جایی که دورش با دیوار احاطه شده باشد. شهر و بیابان و ناصیه و دنیا هم دار نامیده شده‌اند. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۹۴)

در نتیجه می‌توان این برداشت را داشت که «مخدع» به معنای پستوی خانه یا اتاق می‌باشد و معنای واژه «دار» از معنای واژه «بیت» گسترده‌تر است. بنا بر این مضمون روایت این است که نماز زنان هر چقدر در پستو و خارج از چشم نامحرمان خوانده شود، ثوابش بیشتر و فضیلتش برتر است.

۶. «وَيَهْدِي الْإِنْسَانَ إِذَا قَالَ قَالَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَوْرَةُ أَحْسَنُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ وَاسْتَعِينُوا عَلَيْهِنَّ بِالْعُرَى» (راوندی کاشانی، ص ۳۶)

علاوه بر آیات و روایات متعددی که کار زنان در خانه را مطلوب و سنت بر شمرده‌اند و بخشی از آن‌ها در بالا بیان شد فقهای بزرگی همچون صاحب عروه بر حبس کردن زن در داخل خانه فتوا داده‌اند: «يستحب حبس المرأة في البيت فلا تخرج الا للضرورة ولا يدخل عليه احد من الرجال» (طباطبایی یزدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۸۳) به این معنا که (حبس کردن زن در خانه مستحب است پس زن نباید جز هنگام ضرورت از خانه خارج شود و مرد اجنبی نیز نباید برو وارد شود.)

موافقان اشتغال بانوان

در مقابل دیدگاه اول، نظریه‌ای وجود دارد که با اشتغال بانوان به عنوان یکی از حقوق آنان موافقت دارد و برای تبیین استقلال زنان در مورد فعالیت‌های اجتماعی ابتدا به نقض ادله قرآنی و روایی مخالفان پرداخته و بعد از آن شاهد مثال‌هایی از متن قرآن و روایات مطرح کرده‌اند که دلیلی برای اثبات نظریه شان می‌باشد و در این بخش به بیان ادله این دسته پرداخته شده است:

نقض استدلال به دلایل قرآنی مخالفان اشتغال بانوان

در مورد آیه ۳۴ سوره نساء که مخالفان با استناد به آن در صدد اثبات دیدگاه خود بودند باید گفت برتری و قوامیت مردان که در این آیه مطرح شده است نافی حق اشتغال زنان نیست. طبق نظر علامه طباطبایی قیومیت مرد بر زن که در این آیه بیان شده است به معنای نافذ نبودن اراده و تصرف زن نسبت به اموالش یا استقلال نداشتن او در حقوق فردی و اجتماعی نیست بلکه بدین معناست که بر زن واجب است که در مقابل انفاق مالی که به عهده مرد است، هنگام حضور او از هر چه که مربوط به کام جویی جنسی و روابط زناشویی باشد اطاعت کند و در غیابش به او خیانت نکند. علامه طباطبایی برای اثبات درستی این تفسیر می‌فرماید: سنت نبوی نشان دهنده این است که زنان از هیچ گونه حق اجتماعی و فردی منع نشده بودند و آزاد بودند هر گونه فعالیت اجتماعی اعم از اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ص ۳۴۶)

شیخ طوسی در ارتباط با این آیه می‌گویند: آیه به این معناست که مردان عهده دار حقوقی از زنان که به نفع آنان است می‌باشند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ص ۳۲۴)

مطابق آیه ریاست و برتری مردان در خانواده به دو دلیل است یک برتری که خداوند به آن‌ها داده است «مِمَّا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۴) و «لِلرِّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ» (بقره: ۲۸) و دو: وجوب نفقه بر آن‌ها «مِمَّا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴) و این همان تفاوت نوع مردان با نوع زنان است که اقتضا می‌کند مرد ریاست و مدیریت خانواده را به عهده داشته باشد. در مقابل، زنان در مواجهه با مشکلات اقتصادی خانواده و هزینه‌های آن هیچ گونه مسئولیتی ندارند و اگر در آن جهت مشارکتی داشته باشند از اخلاق حسنه خودشان است.

با استفاده از این آیات درجه و فضیلتی برای مردان نسبت به زنان ثابت می‌شود که آن برتری از نظر قدرت تفکر و تعقل است اما این فضیلت موجب نفی اشتغال بانوان نمی‌شود و آنان



می‌توانند در اموری که با وضعیت جسمی و روحی آنان تناسب داشته باشد به اشتغال بپردازند بدون اینکه این اشتغال موجب برتری آنان بر مردان شود چرا که اصل برتری و فضیلت از جانب خداوند به آن‌ها داده شده و ذاتاً در مردان قرار دارد چه زنان اشتغال داشته باشند و چه نداشته باشند. پس با استناد به این آیات نمی‌توان عدم جواز اشتغال برای زنان را نتیجه گرفت.

نکته دیگری که علامه طباطبایی در مورد آیه ۳۴ از سوره نساء بیان کرده‌اند این است که مردان تنها بر همسران خویش برتری و تسلط دارند چرا که هم شأن نزول آیه در مورد مسائل خانوادگی می‌باشد و هم سیاق آیه مربوط به زندگی خانوادگی و زناشویی است و هم دلایلی که در آیه برای قوامیت مرد بر زن مطرح شده است مخصوص روابط زن و شوهری می‌باشد چرا که مردان فقط به همسران خود نفقه می‌دهند نه به همه ی زنان، پس عمومیت دادن این مسئله که موجب برتری مردان بر همه زنان می‌شود امری ناپسند است. و از لحاظ شرعی مردان فقط در دو مورد بر زنان برتری دارند و آن هم حاکمیت و قضاوت است که هیچ کدام مانع اشتغال زنان نمی‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۴۰، ج ۴: ص ۳۴۸)

قرطبی در مورد برتری و قوامیت مردان در همین آیه می‌گوید: منظور این آیه برتری مردان نسبت به زنان در برخورداری از ارث می‌باشد چرا که هم آیات قبلی و هم آیات بعدی در مورد موضوع ارث سخن گفته‌اند و در بعضی منابع در شأن نزول این آیه آمده است که در زمان جاهلیت زنان از ارث محروم بودند، زمانی که اسلام برای آن‌ها ارث معین کرد آنان گفتند کاش سهم ارث ما هم مانند سهم ارث مردان باشد و بعد آن آیه نازل شد (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵: ص ۱۶۲-۱۶۹)

بنابراین برتری و فضیلتی که در این آیه بیان شده است یک برتری خاص است و به وسیله آن نمی‌توان همه حقوق زنان از جمله حق اشتغال آنان را نفی کرد.

در مورد آیات ۳۳ و ۵۳ سوره احزاب هم که مخالفان اشتغال بانوان از آن استفاده کرده‌اند، باید گفت این آیات در مورد زنان پیامبر نازل شده است و عمومیت ندارد علاوه بر آن در آیه ۳۳ سوره احزاب آمده است زینت‌های خود را آشکار نکنید و حرفی از اشتغال بانوان به میان نیامده است و همانطور که ما در ادامه پژوهش به آن خواهیم پرداخت، اشتغال زنان شرایط و ضوابطی دارد که یکی از آن‌ها حفظ حجاب و پوشاندن زینت می‌باشد. پس با استفاده از این آیات نمی‌توان عدم جواز اشتغال زنان را اثبات کرد.



نقض استدلال به دلایل روایی مخالفان اشتغال بانوان

در مورد روایاتی که مخالفان اشتغال زنان به آن استناد کرده‌اند نیز بحث‌هایی از سوی موافقان اشتغال زنان وجود دارد

موافقان اشتغال زنان معتقدند روایاتی که در زمینه لزوم خانه نشینی زنان می‌باشد با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی آن زمان بیان شده‌است. در جامعه‌ای که زن در آن هیچ ارزش اجتماعی نداشت، پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام تلاش کردند تا رفته رفته شخصیت و ارزش زن را به او برگردانند و با توجه به شرایط حاکم بر آن زمان امکان اینکه ائمه معصومین علیهم‌السلام در مورد حضور پر شکوه زنان در عرصه‌های اجتماعی سخن بگویند وجود نداشت و اگر هم سخنی گفته می‌شد مورد پذیرش مردم قرار نمی‌گرفت. به همین جهت امروز نمی‌توان به این روایات استناد کرده و عدم جواز اشتغال زنان را نتیجه گرفت.

در خصوص روایاتی که زن را به اطاعت از همسر و می‌دارند نیز باید گفت: اطاعت زن از مرد حد و حدودی دارد که علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء یک مورد از آن را بیان کردن و آن مربوط به روابط زناشویی بود که این مطلب در روایات متعددی بیان شده‌است. مورد دیگری که زن مجبور به اطاعت از همسرش می‌باشد و در روایات متعدداً به آن پرداخته شده- است، اجازه گرفتن برای خروج از خانه است به این ترتیب که خروج زن از خانه مشروط به اجازه همسر می‌باشد. پس اگر زن به کاری اشتغال داشته باشد که هیچ کدام از حقوق مرد را در این زمینه زایل نکند نمی‌توان با این دسته از روایات به عدم جواز اشتغال وی رأی داد.

موافقان اشتغال زنان در رابطه با روایاتی از حضرت زهرا علیها‌السلام که کار خانه را برای زن بهتر می‌دانسته‌اند نیز، می‌گویند: منظور از این روایات این است که اگر امکان انتخاب بین کار خانه و خارج از خانه برای زن وجود داشته باشد بهتر است زنان کارهای داخل خانه را به عهده بگیرند. در صورتی که در بعضی مواقع به دلایل مختلف مانند سرپرستی خانواده یا... زن راهی جز انتخاب کار خارج از خانه را ندارد. علاوه بر این روایات، در خصوص روایات صادر شده از آن حضرت در مورد دیده نشدن زنان توسط مردان هم باید گفت از این دسته روایات هم نمی‌توان جایز نبودن اشتغال زنان به صورت کلی را نتیجه گرفت چرا که بسیاری از شغل‌ها وجود دارد که مخصوص بانوان است و هیچ مردی به آن راه پیدا نمی‌کند مانند کار در مدارس دخترانه یا بعضی بیمارستان‌ها که مخصوص بانوان هستند یا کار در مهدکودک‌ها یا....

مخالفان اشتغال بانوان روایتی را هم در مورد محرومیت زنان از نماز جمعه و جماعت هم بیان کرده بودند که در آن خصوص باید گفت: این محرومیت‌ها در حد رخصت بوده‌است و نه



به معنای عزیمت. یعنی زنان اجازه دارند که در نماز جمعه و جماعت شرکت نکنند و در این صورت برخلاف مردان مورد عتاب قرار نمی‌گیرند و اصلاً به این معنا نیست که اگر شرکت داشته باشند ثواب نداشته باشد و حتی مورد سرزنش واقع شوند.

آنچه که روشن شد این است که با استفاده از آیات و روایاتی که مخالفان برای اثبات ادعای خود بیان کرده بودند نمی‌توان عدم جواز اشتغال زنان را به صورت کلی اثبات کرد.

در مقابل، موافقان اشتغال زنان هم برای اثبات نظریه خود به آیات و روایاتی استناد کرده‌اند:

ادله اثباتی موافقان اشتغال بانوان

آنچه که گذشت دلایل نقضی موافقان اشتغال بانوان بود که به بررسی ادله مخالفان پرداخته و آن را مورد نقد قرار داده و در نهایت مردود اعلام کردند. در ادامه به بیان ادله اثباتی موافقان که از آیات قرآن و متن روایات می‌باشد پرداخته می‌شود:

ادله قرآنی موافقان اشتغال بانوان

- «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء: ۳۲) «آرزو مکنید آن چیزهایی را که بدان‌ها خدا بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است. مردان را از آنچه کنند نصیبی است و آنان را از آنچه کنند نصیبی. و روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است.»
- علامه طباطبایی معتقدند واژه اکتساب هم برای عمل اختیاری و هم برای عمل غیر اختیاری کاربرد دارد اما بعضی از دانشمندان علم لغت کلمه اکتساب را مخصوص جایی می‌دانند که عملی به اختیار انسان انجام شده باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ص ۵۳۴)
- در این آیه اکتساب زنان هم پای اکتساب مردان قرار داده شده است و همانطور که گفته شد اکتساب جایی کاربرد دارد که اختیار انسان در میان باشد یعنی انسان به اختیار خود کاری انجام دهد و نتیجه‌ای کسب کند. در این آیه در مورد کار انجام شده سخنی نگفته اما نتیجه آن و درآمد حاصل از آن اظهار شده است. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱)
- بنابراین مطابق این آیه می‌توان نتیجه گرفت اشتغال نه تنها برای زنان ممنوع نیست بلکه زنان نیز مانند مردان هر آنچه که از راه کار کردن بدست می‌آورند مخصوص خودشان است.
- «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَرَادَ اللَّهُ لِيُخَبِّرَكُمْ بِمَا

يَضُنُّونَ» (نور: ۳۰) «به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه تر است. زیرا خدا به کارهایی که می‌کند آگاه است.»

این آیه خطاب به مردان می‌گوید که چشمان خود را از نامحرمان حفظ کنید، اگر طبق گفته مخالفان اشتغال بانوان، زنان حق خروج از خانه و اشتغال را نداشتند چه لزومی داشت خداوند یک آیه را به این دستور به مردان، که هنگام مواجهه با زنان چشمان خود را حفظ کنند اختصاص دهد؟ اگر زنان باید در پستوی خانه مخفی می‌شدند، دیگر توسط مردان نامحرم دیده نمی‌شدند پس نیازی به نزول این آیه هم نبود. پس با توجه به حکم موجود در این آیه می‌توان این گونه نتیجه گرفت که قرآن با خروج زنان از خانه و حضور آنان در اجتماع با هر عنوانی، مخالفتی ندارد ولی از سویی دیگر به مردان این تذکر را داده است که هنگام مواجهه با زنان چشمان خود را حفظ کنند. و به این صورت یک جامعه اسلامی را به وجود آورند. (ر. ک: ره رستگاری ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۴۵)

۳. «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: ۱۰) «پس آن گاه که نماز پایان یافت (بعد از ظهر جمعه باز در پی کسب و کار خود رفته و) روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا (روزی) طلبید، و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادت‌مند گردید.»

جمله «وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ» مفهوم گسترده‌ای دارد ولی غالباً به معنای طلب روزی و کسب و تجارت آمده است. این آیه به صورت امر خطابی عام به زنان و مردان در مورد طلب روزی می‌باشد اما امر در این آیه امر وجوبی نیست و دلیل بر جواز است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ص ۱۲۷ و ۱۲۸)

همین که آیه به صورت عام بیان شده و فقط خطابی به مردان نیست، نشان می‌دهد آیات قرآن هیچ گونه مخالفتی با اشتغال زنان ندارند ولی برای آن هیچ اجباری هم وجود ندارد و اشتغال وظیفه‌ای برای زنان قرار داده نشده اما از آن منع هم نشده‌اند.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُثَلَّى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (مائده: ۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید. حیوانات چهارپا مگر آن‌هایی که از این پس برایتان گفته می‌شود، بر شما حلال شده‌اند و آنچه را که در حال احرام صید می‌کنید حلال مشمارید. خدا به هر چه می‌خواهد حکم می‌کند.»

آیه دیگری که موافقان اشتغال بانوان به آن استناد می‌کنند آیه اول سوره مائده می‌باشد که در آن عبارت «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» به صورت عام آمده است و هم مردان، هم زنان را مورد خطاب قرار

داده است. و اینکه به زنان گفته شده عهدهای خود را وفا کنید دلیلی است برای جواز اشتغال و حضور فعال آنان در اجتماع، چرا که اگر قرار بود زنان در خانه محبوس باشند پیمانی نمی بستند و قوی نمی دادند که بخواهند به آن عمل کنند.

۵. «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُصَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمَلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَزْتُمْ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُمَّرَأَةً أُخْرَى» (طلاق: ۶) «هر جا که خود سکونت گزینید آن ها را نیز به قدر توانایی خود مسکن دهید. و تا بر آن ها تنگ گیرید میا زاریدشان. و اگر آبستن بودند، نفقه شان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر فرزند شما را شیر می دهند، مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید. و اگر به توافق نرسیدید، از زنی دیگر بخواهید که کودک را شیر دهد.»

در این آیه به صراحت به شغل دایگی که مختص زنان است اشاره شده است و بر مردانی که کودک شیر خوار دارند لازم دانسته است در مقابل شیری که مادر کودک و یا زنی دیگر به عنوان دایه، به کودک می خوراند، مزد دهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ص ۳۱۷ و قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸: ص ۱۶۹ و طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ص ۳۷ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۸: ص ۴۵)

همانطور که آیه اشاره کرده است دایگی و شیر دادن به کودکانی که مادانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند یا به هر دلیل دیگری راضی به شیر دادن به فرزند خود نبودند از زمان های قدیم وجود داشته و معمول بوده است همانطور که حلیمه سعدیه به عنوان دایه از پیامبر ﷺ نگه داری می کردند و برای همین کار به مکه آمده بودند. (یوسفی غروی / ۱۳۸۲ / ۱ / ۲۲۲)

دایه ها در قبال شیر دادن و نگهداری از کودکان از والدین آن ها مزد دریافت می کردند، بنابر این طبق تعریف اشتغال که قبلا بیان شده است، این کار را می توان اشتغال نامید و اینکه در قرآن به صراحت به آن اشاره شده است، دلیل بر جواز اشتغال زنان می باشد. چرا که اگر اشتغال برای زنان ممنوعیت داشت آیات قرآن باید در صدد نهی آن بر می آمد نه اینکه خود به یکی از اقسام آن که همان دایگی می باشد توصیه کرده باشد.

۶. «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ وَأُبْنَا شَيْخًا كَبِيرًا» (قصص: ۲۳) «و چون بر سر چاه آبی حوالی شهر مدین رسید آنجا جماعتی را دید که (حشم و گوسفندانشان را) سیراب می کردند و دو زن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع آوری و منع اختلاط گوسفندانشان مشغول بودند. موسی گفت: شما اینجا چه می کنید و کار مهمتان چیست؟ آن دو زن پاسخ دادند که ما گوسفندان خود را سیراب نمی کنیم تا مردان گوسفندانشان را سیراب کرده باز گردند و پدر ما

شیخی سالخورده و فرتوت است (و مرد دیگری نداریم، ناچار ما را به شبانی گوسفندان فرستاده است).»

آیه دیگری که نشان دهنده عدم مخالفت قرآن با اشتغال بانوان می باشد آیه ۲۳ سوره قصص می باشد که داستان دختران حضرت شعیب که به خاطر کهولت سن پدرشان به چوپانی اشتغال داشتند را بیان می کند. از این آیه می توان یکی از شروط اشتغال زنان را هم که حفظ عفت می باشد را هم برداشت کرد که بعداً مفصلاً به آن خواهیم پرداخت.

۷. «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل: ۲۳) «زنی را یافتم که بر آن ها پادشاهی می کند. از هر نعمتی برخوردار است و تختی بزرگ دارد.»

آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره نمل درباره اداره امور یک سرزمین بدست یک زن می باشد که باز هم نشان دهنده موافقت قرآن با اشتغال بانوان است چرا که اگر قرآن در این زمینه نظر مخالفی داشت حتماً علاوه بر بیان تغییر دین ملکه سبا به این مورد هم اشاره می کرد تا ابهامی وجود نداشته باشد.

همان طور که بیان شد خداوند در آیات مختلفی از قرآن به نحوی، به حضور زنان در اجتماع اشاره کرده است و حتی در بعضی از آیات داستان زنانی را بیان کرده که حتی در جوامع گذشته اشتغال داشته اند و این ها نشان دهنده عدم مخالفت قرآن با اشتغال بانوان به صورت کلی می باشد.

ادله روایی موافقان جواز اشتغال بانوان

در ادامه به بیان روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام که نشان دهنده جواز اشتغال بانوان می باشد می پردازیم:

۱. «وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ طَلَبُ الْحَالِلِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ.» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵: ص ۴۳۰ و شعیری، ص ۱۳۹ و بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ص ۸۸ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ص ۹)
طبق این روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم کسب روزی حلال بر همه زنان و مردان مسلمان واجب است و این نشان دهنده عدم مخالفت آن حضرت با اشتغال بانوان و کسب روزی توسط آنان می باشد.

۲. «وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي خُرُوجِ النِّسَاءِ الْعَوَاتِقِ لِلْعِيدِينِ لِلتَّعَرُّضِ لِلرِّزْقِ.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ص ۲۸۷)

از این روایت برداشت می شود که رسول خدا با اشتغال زنان مخالف نبودند و در زمان

خودشان به زنان جوان اجازه دادند تا در اعیاد فطر و قربان از خانه خارج شده و برای تهیه روزی بساط پهن کنند.

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَتْ زَيْنَبُ الْعَطَاةُ الْحَوْلَاءُ إِلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ ص فَجَاءَ النَّبِيُّ ص فَأَذَا هِيَ عِنْدَهُمْ فَقَالَ النَّبِيُّ عليه السلام إِذَا أَتَيْتَنَا طَابَتْ بُيُوتُنَا فَقَالَتْ بُيُوتُكَ بِرِيحِكَ أَطِيبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا بَعْتِ فَأَحْسِنِي وَلَا تَغْشِي - فَإِنَّهُ أَتَقَى لِلَّهِ وَابْقَى لِلْمَالِ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۱۵۱)

در این روایت از امام صادق عليه السلام نیز عدم مخالفت پیامبر عليه السلام با اشتغال زنان مشخص می شود به این صورت که وقتی زنی عطر فروش را در خانه خود می بیند به او می گویند خانه ما را خوشبو کردی و اداب معامله را نیز به او یاد آور می شوند.

۴. «السَّيِّخُ وَرَأْمٌ فِي تَنْبِيهِ الْمَخَاطِرِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: عَمَلُ الْأَجْرَارِ مِنَ الرِّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَ عَمَلُ الْأَجْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ الْعَزْلُ.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ص ۲۶۰ و ورام ابن ابی فراس، ۱۴۱۰، ج ۱: ص ۴۱)

در این روایت نیز مشخص می شود، حضرت نه تنها اشتغال را برای بانوان منع نکرده اند بلکه بافندگی را به عنوان بهترین شغل برای زنان معرفی می کنند و به نحوی به تشویق زنان برای اشتغال پرداخته اند.

۵. از دیگر نمونه های جواز اشتغال زنان توسط ائمه عليهم السلام جریان پرسش شخصی از امام صادق عليه السلام است که کنیزش به کسب درآمد از طریق نوحه خوانی مشغول بوده و آن شخص حکم این کار را می پرسد و حضرت پاسخ می دهد که برای اجرت شرط نکند و هر چه که به عنوان اجرت دادند قبول کند در این صورت مشکلی ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۱۵۱)

۶. بر اساس روایتی از امام صادق عليه السلام، رسول خدا عليه السلام در مواجهه با یکی از زنانی که به آرایشگری بانوان مشغول بوده است از او می پرسند که آیا کارت را ادامه می دهی یا آن را رها کرده ای؟ زن عرض کرده است که به آن کار مشغول هستم مگر آن که مرا از آن نهی کنی. حضرت نه تنها او را منع نکرده است بلکه او را هم به برخی از اداب آرایشگری برای ادامه کارش راهنمایی فرموده اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۱۵۱)

۷. پیامبر عليه السلام همچنین در مورد زنانی که سرپرست خانواده به شمار می آمدند یا شوهری از کار افتاده داشتند و برای کسب درآمد و گذران زندگی تلاش می کردند می فرمودند که چنین کاری دو ثواب دارد. (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۵: ص ۴۶۱)

طبق این گونه روایات ائمه معصوم عليهم السلام نسبت به اشتغال بانوان هیچ گونه مخالفت یا

اکراهی نداشتند و همان گونه که بیان شد حتی در بعضی مواقع به ترغیب و راهنمایی زنان برای بهتر پیش بردن شغلشان پرداخته‌اند.

در ادامه به بیان چند نمونه از اشتغال بانوان صدر اسلام می‌پردازیم که خود نشان دهنده جواز اشتغال بانوان از نگاه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. چرا که اگر مخالفتی برای این موضوع وجود داشت، حداقل در حضور ائمه علیهم‌السلام این کار صورت نمی‌پذیرفت:

حضرت خدیجه علیها‌السلام که از زنان بزرگوار و برگزیده هستند پرنسب‌ترین مثال برای این موضوع می‌باشند چرا که در عصر جاهلیت که اغلب زنان، زیر دست بوده و اجازه انجام هیچ کاری را نداشتند، آن حضرت به تجارت مشغول بود و از طرفی از همکاری ایشان با حضرت رسول هم می‌توان عدم ممنوعیت اسلام در زمینه اشتغال زنان را نتیجه گرفت.

نمونه دیگری از اشتغال زنان در زمان صدر اسلام «سمراء» دختر نهبیک بوده است که جزء ماموران انتظامی به شمار می‌رفته است و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در بازار را داشته است. (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۲۴: ص ۳۱۱)

رائطه بنت عبدالله بن الثقیفه و همسر عبدالله بن مسعود از شمار زنان شاغل در عصر رسالت بوده است که درآمد خود، همسر و فرزندان را از راه صنعت گری تامین می‌کرده است. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۰: ص ۱۵۰)

از دیگر شغل‌هایی که در زمان پیامبر زنان به آن مشغول بوده‌اند پرستاری از زخمی‌ها و کار-های پشت جبهه در هنگام جنگ‌ها و غزوات بوده است. مانند شخصی به نام «لیلی غفاری» که بارها در میادین نبرد حضور پیدا کرده است و از بیماران و مجروحین جنگی پرستاری نموده و آنان را معالجه کرده است. (محلّاتی، ۱۳۶۹، ج ۵: ص ۵۹۵)

و شغلی که در همه زمان‌ها به بانوان اختصاص داشته است و اختلاف نظری در مورد آن وجود ندارد، شغل قابل‌گری می‌باشد. که در عصر رسالت هم متداول و مرسوم بوده است و از نظر اسلام هم پذیرفته شده و در روایات منعی بر آن وارد نشده است.

با بررسی آیات و روایات پیرامون اشتغال بانوان در جامعه متوجه می‌شویم که به صورت کلی مخالفتی با اشتغال بانوان خارج از منزل وجود ندارد اما از طرفی همانگونه که قبلاً هم گفته شد، در قوانین اسلامی اولین و مهم‌ترین وظیفه زنان، همسر داری و تربیت نسل انسانی است که در آیات و روایات نسبت به آن تاکید ویژه‌ای صورت گرفته است و شوهر داری را هم رتبه با جهاد برای زنان بیان کرده است. (ابن اشعث، ص ۲۱۱) و به همین دلیل وظیفه امرار معاش خانواده را از دوش او برداشته و به مردان محول کرده است. پس می‌توان این گونه گفت که در منابع اسلامی

دلیلی برای اثبات مخالفت با اشتغال بانوان وجود ندارد تا جایی که به وظایف اصلی و مهم‌تر او صدمه‌ای وارد نسازد.

عناوین شغلی مختص بانوان

یکی از مسائل مهم در انتخاب شغل، متناسب بودن شاغل با شغل مورد نظر می‌باشد که قبل از واگذار کردن شغل باید مورد بررسی قرار گیرد. اینجاست که بحث از جنسیت مطرح می‌شود و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در انتخاب داوطلب تاثیر می‌گذارد علاوه بر جنسیت شرایط فرهنگی هم در انتخاب داوطلب برای یک شغل مؤثر است. همان طور که قبلاً هم اشاره شد انجام بعضی از کارها در جامعه اسلامی بهتر است توسط بانوان انجام گیرد و به بیان دیگر بعضی از عناوین شغلی زنانه می‌باشند اینجاست که اشتغال زنان در جامعه اسلامی ضرورت پیدا می‌کند چرا که در بعضی از حیطه‌های شغلی ارباب رجوع فقط بانوان هستند و در جامعه اسلامی برای کسانی که تمایل ندارند در محیط‌های مختلط حضور داشته باشند و همچنین برای رعایت موازین اخلاقی در جامعه، باید بستری فراهم شود که نیازهای مختلف زنان را پاسخ دهد. به این منظور انجام بعضی از کارها در جامعه باید به بانوان سپرده شود و این خود می‌تواند یک دلیل مهم برای نیاز جامعه به حضور فعال بانوان و اشتغال آنان باشد. از جمله این شغل‌های زنانه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. پزشکی

در یک جامعه اسلامی که با فرهنگ اسلامی آمیخته است بیشتر زنان تمایل دارند در صورت بروز بیماری و مشکل به پزشک زن مراجعه نموده و اگر پزشک زن در دسترسشان نباشد با وجود بیماری و مشکلات ناشی از آن حاضر به درمان نخواهند بود و این مشکل رفته رفته افزایش می‌یابد و بستری برای ایجاد مشکلات روحی و روانی خواهد شد. با به وجود آمدن مشکلات روحی در زنان تعادل و نظم خانواده‌ها به هم میریزد و در نتیجه آن تعادل جامعه از بین خواهد رفت. به همین دلیل لازم است در یک جامعه تعدادی از زنان به فعالیت و تحصیل در تخصص‌های مختلفی از رشته پزشکی مخصوصاً تخصص‌هایی که بیشتر با زنان سرو کار دارد بپردازند و از این جهت هم مشکل هم جنسان خود را بر طرف نموده و هم از افزایش فساد در سرح جامعه خودداری نمایند. که این مسئله در نهایت موجب افزایش حیا و عفت تک تک افراد جامعه و نزدیک شدن جامعه به آرمان‌های اسلامی اش خواهد شد.

ب. پرستاری

شغل پرستاری از دو جهت حضور زنان در آن در سطح جامعه احساس می‌شود. از یک سو همان مسئله‌ای که در مورد شغل پزشکی مطرح کردیم وجود دارد که اگر پرستار زن در جامعه وجود نداشته باشد کار بیماران زن لنگ می‌ماند و از سویی دیگر ویژگی‌هاییست که یک پرستار برای خوب انجام دادن کار خود باید داشته باشد؛ ویژگی‌هایی مانند صبر و شکیبایی و حوصله بالا، مهربانی، دقت زیاد در انجام وظایف، عاطفه و احساسات در انجام کار و... که در زنان بیشتر نمود دارد. به همین جهت است که در مراکز درمانی، مدیران بیشتر خواهان استخدام پرستاران خانم هستند در نتیجه بیشتر تعداد پرستاران در این مراکز را زنان تشکیل می‌دهند.

ج. تدریس

تدریس و معلمی در مقاطع مختلف تحصیلی مانند مدرسه و دانشگاه و حتی در مراکز مختلف آموزشی نظیر آموزش زبان، رانندگی، یارانه و... نیز یکی دیگر از شغل‌هایی می‌باشد که بهتر است بر حسب جنسیت دانش آموزان معلمانی از جنس خودشان برایشان وجود داشته باشند تا همه افراد جامعه امکان شرکت چه در مدارس و دانشگاه‌ها و چه در مراکز مختلف آموزشی را داشته باشند چرا که بعضی از زنان و دختران جامعه برای حضور نیافتن در جمع‌های مختلط از شرکت در کلاس‌هایی که توسط مردان اداره می‌شود خودداری کرده و به این صورت اگر معلمان زن در جامعه حضور نداشته باشند سطح سواد جامعه و در نتیجه آن سطح پیشرفت جامعه اسلامی کاهش خواهد یافت. و از سویی دیگر وجود معلمان زن در مراکز آموزشی چه دولتی و چه خصوصی باعث کاهش زمینه ایجاد مفسده و در نتیجه کاهش فساد در سطح جامعه خواهد شد.

د. آرایشگری

آرایشگری از شغل‌هایی می‌باشد که از زمان‌های گذشته به دو قسم مردانه و زنانه تقسیم شده و آرایشگری زنانه در جوامع اسلامی فقط توسط زنان انجام می‌شده و از دیرباز به عنوان یک شغل مختص بانوان به حساب می‌آمده است.



نتیجه

اشتغال در اصطلاح، به معنای پرداختن به یک فعالیت اقتصادی است که منجر به تولید کالا یا خدمت شده و برای فرد شاغل سود به همراه داشته باشد. طبق قوانین اسلامی، شاغل بودن به این معنا و برای کسب ثمن، در حیطه وظایف زنان نیست و در یک خانواده که متشکل از دو رکن اصلی زن و مرد می باشد فقط مردان وظیفه تامین معاش و کسب درآمد را دارند. در مقابل، اساسی ترین نقش و وظیفه زنان در محیط خانوادگی رسیدگی به همسر و ایجاد محیطی آرام برای او و خوش رفتاری با او و تربیت نسل انسانی صالح و توجه به تغذیه و بهداشت آنان و تلاش در جهت حفظ آرامش فرزندان می باشد. آنچه نگانده در این نوشتار به آن دست یافته است، این است که دلائل مخالفان با اشتغال با بهره گیری از ظاهر برخی آیات و روایات به عدم انجام وظیفه اصلی آنان یعنی بقاء نسل باز می گردد و در صورت انجام این مهم، جواز اشتغال با رعایت حدود شرعی از آیات و روایات بیشتری بدست خواهد آمد و البته در برخی مانند مشاغل پزشکی و پیراپزشکی، تدریس و همه مشاغل مربوط به زنان واجب شرعی و ضروری عقلی خواهد بود.



منابع و ماخذ

بعد از قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۶ق
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا
۳. ابن بابویه القمی، محمد بن علی بن الحسین، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق
۴. ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الكتل العربی، ۱۴۲۲ق
۵. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۳۶۹ش
۷. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۷ش
۸. بروجردی، آقا حسین، جامعه الاحادیث الشیعه (للبروجردی)، به تصحیح جمعی از محققان، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش
۹. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، به تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد (ط- الحدیثه)، به تحقیق موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ناشر موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق
۱۳. خفاجی، احمد بن محمد، شفاء الغلیل فیما کلام العرب من الدخیل، به تحقیق محمد کشاش، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق
۱۵. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر (لراوندی)، به تحقیق احمد صادقی اردستانی، قم، انتشارات دار الکتب، بی تا
۱۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار (لشعیری)، نجف، انتشارات مطبعه



- الحیدریه، بی تا
۱۷. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، به تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق
۱۸. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروه الوثقی، قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۶۶ش
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، به تحقیق حمدی عبد المجید سلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۰۴ق
۲۱. طبری، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ الرسل و الملوك (تاریخ طبری)، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق
۲۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا
۲۵. فیض کاشانی، محمد حسین بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المومنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق
۲۶. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، تفسیر قرطبی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق
۲۸. قرائت
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الاسلامیه)، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق ۹۲
۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، به تصحیح

- موسسه آل البيت عليه السلام، قم، موسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ ق
۳۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهه النواطر المعروف)، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق
۳۳. ارژمند، محمود و همکاران، بررسی خانه‌های دوره قاجار، اصفهان، زیر نظر مرکز پژوهش‌های سنتی صائب، منتشر نشده، ۱۳۹۰ ش
۳۴. حکیمی، محمد رضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاه، به ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش
۳۵. غضنفری، علی، ره رستگاری، قم، لاهیجی، ۱۳۸۲ ش
۳۶. غضنفری، علی، زفاف، قم، نیلوفرانه، ۱۳۸۱ ش
۳۷. غضنفری، علی، ازدواج و آداب زناشویی در آیین حدیث، قم، لاهیجی، ۱۳۷۹ ش
۳۸. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ ش
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش
۴۰. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، قم، موسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۸۷ ش